

کتاب *امپراتوری نشانه‌ها* (۱۹۷۰) ساختارگرایی است که به زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی توجه بسیار دارد و با نقد نشانه‌های موجود در جوامع انسانی از فرهنگ روزمره گرفته تا ورزش و تبلیغات به تحلیل انسان‌شناختی نزدیک می‌شود. وی در مراحل پایانی زندگی خود با نگاشتن کتاب‌هایی چون *مرگ مؤلف* (۱۹۶۹)، *از اثر به متن* (۱۹۷۱)، *لذت متن* (۱۹۷۳)، *نقد و حقیقت* (۱۹۶۶) و *S/Z* (۱۹۷۰) به پساساختارگرایی روی آورد که دارای زبان و بیانی پرابهام، شعرگونه و در قالب قطعه‌نویسی است.

بارت در زندگی خود با دستگاه‌های فکری بسیاری تعامل داشت. ردپای سارتر، برشت، لوی استروس، مارکس، نیچه، دوسوسور، هوسرل، ژاک لاکان، فرمالیست‌های روسی، رمانتیک‌های آلمانی را در آثار او می‌توان دید. هرچند وی در برخی آثارش مانند *اسطوره‌شناسی‌ها* گرایش به چپ دارد، در *درجه صفر نوشتار* تحلیلی تاریخی و طبقاتی را به کار می‌بندد و در *نقد و حقیقت* از ساختارگرایی فاصله می‌گیرد و به هرمنوتیک نزدیک می‌شود. اما در مجموع بارت را نمی‌توان به هیچ یک از اینها محدود نمود و بنا به گفته خودش هرگاه می‌خواست می‌توانست در یک لحظه از اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم، فرویدیسم و ساختارگرایی استفاده کند.

بارت در زندگی‌نامه خود با عنوان *رولان بارت به قلم رولان بارت* که آن را گونه‌ای *رمان نو* می‌داندست به بخش‌هایی از زندگی، کودکی، یادهای نوجوانی و دیدگاه‌های خود می‌پردازد. وی در سال ۱۹۱۵ به دنیا آمد. پدر او در ۱۹۱۸ در جنگ کشته شد. وی با مادرش در شهر بایون زندگی می‌کرد. وی بیشتر اوقات دچار افسردگی می‌شد. «*رولان بارت چوآن کودکی زیست، هم‌چون کودکی، پس از مرگ*

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲  
صص. ۱۸۱-۱۸۸

«از اثر تا متن»، رولان بارت، ترجمه مراد فرهاد پور، ارغنون، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۳.  
«اسطوره، امروز»، رولان بارت، ترجمه شیرین دخت دقییان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.  
«نقد و حقیقت»، رولان بارت، ترجمه شیرین دخت دقییان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.

روح ا... نصرتی\*

## زندگی و آثار بارت

رولان بارت بی‌تردید یکی از مهم‌ترین منتقدان ادبی سده بیستم است که در زمینه نشانه‌شناسی پیش‌گام بود. «وی در اصل، منتقد ادبی و فیلسوف بود، اما آثار متعدد او که با نثری هوش‌مندانه نوعی جامع‌نگری را نسبت به پدیده اجتماعی نشان می‌دهند، چهره وی را به عنوان جامعه‌شناس نیز مطرح کرده‌اند. بارت در جوانی به محافل چپ و مارکسیست نزدیک بود، اما به زودی از آنها فاصله گرفت و پس از مدتی تدریس در مؤسسه مطالعات عالی اجتماعی فرانسه از سال ۱۹۷۶ کرسی معنائشناسی ادبی را در کلمز دوفرانس برعهده گرفت» (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۱۲).

بارت با انتشار نخستین کتاب خود به نام *درجه صفر نوشتار* در سال ۱۹۵۳ به صفت مطرح‌ترین متفکران قرن بیستم پیوست. وی در آثاری چون *درجه صفر نوشتار* (۱۹۵۳)، *میشله* (۱۹۵۴)، *اسطوره‌شناسی‌ها* (۱۹۵۷)، *درباره راسین* (۱۹۶۳)، *مقاله‌های تضادی* (۱۹۶۴) و

\* کارشناس ارشد انسان‌شناسی

مطالعات و تفکرات فردینان دو سوسور پدید آمد.

سوسور بر آن بود تا رشتهٔ زبان‌شناسی ساختارگرا را به عنوان یک رشتهٔ مستقل تثبیت کند و گسترش دهد. بر این اساس او معتقد بود که بنیان‌گذاری علم علائم نیز امکان‌پذیر است. در این خصوص، نظرات او در ظهور ساختارگرایی و نشانه‌شناسی نقشی اساسی ایفا کرده و مقاصد و تلاش‌های آنها را بسیار روشن‌تر کرده و در عین حال ارتباط آنها را با مطالعهٔ اشکال معاصر فرهنگ توده‌ای نمایان ساخته است.

سوسور زبان را به دو قسمت تقسیم می‌کرد. یکی زبان<sup>۱</sup> به عنوان مجموعهٔ نشانه‌های مرتبطی که تابع مجموعه‌ای از قواعد است و دیگر سخن<sup>۲</sup> که همان رابطه و ارتباط کلامی میان افراد انسان یا کاربرد فردی زبان است. زبان به عنوان موضوع زبان‌شناسی به معنای مرسوم کلمه است که با قواعد و صرف‌ونحو و دستور زبان سروکار دارد و ساختار زیربنایی و اساسی سخن یا گفتار است. اساس زبان‌شناسی سوسور بر تفکیک دال و مدلول یا واژه و معنا قرار دارد. به عنوان مثال از نظر سوسور کلمهٔ «کتاب» دال و مفهوم یا صورت ذهنی کتاب مدلول آن است. دال و مدلول روی هم رفته نشانهٔ زبانی را تشکیل می‌دهند که رابطه‌ای دل‌بخوآهانه و قراردادی است. بین واژهٔ کتاب با صورت ذهنی آن هیچ رابطه ذاتی وجود ندارد و واژه کتاب لازم نیست حتماً همان مدلولی را داشته باشد که فعلاً دارد. طبعاً رابطه بین واژه‌ها و معانی قراردادی هستند.

«بنابراین در نظر سوسور معنای لفظ به‌وسیله واقعیت مادی و بیرونی ایجاد نمی‌شود، بلکه واژگان در رابطه با یکدیگر معنا

مادرش، دنیایش به پایان رسید. نوشت که دیگر اشتیاقی به زندگی ندارد و به فاصله‌ای کوتاه درگذشت. مرگ او خود مرگ یک کودک است. بیست و پنجم فوریهٔ ۱۹۸۰ کامیونی رولان بارت را که از خیابان می‌گذشت، زیر گرفت» (احمدی، ۱۳۸۲).

کتاب *اسطوره‌ها* یکی از آثار اولیهٔ رولان بارت است که در تعبیر فرهنگ توده‌ای مردم فرانسه نوشته شده است. موضوع این کتاب نقد مظاهر فرهنگی مختلف از جمله ورزش، سرگرمی‌ها، انواع غذاها و نگرش‌های عامه نسبت به مسایل مختلف است. بارت در تحلیل این پدیده‌ها و مظاهر فرهنگی، متأثر از الگوی ساختارگرایی در زبان‌شناسی (سوسور) و انسان‌شناسی (لوی استروس) است تا به ورای پدیده‌های فرهنگی یعنی به ساختار نهایی دست یابد. «وی در پی کشف معانی نبود، بل می‌خواست قاعده‌های معنایی را کشف کند. یعنی امکاناتی که زبان برای معنا فراهم می‌کند. همان‌طور که زبان‌شناسی به معنای جمله کار ندارد، بل می‌خواهد ساختار صورتی آن را بشناسد، ساختاری که به این معنا امکان وجود می‌دهد» (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۱۶).

بارت پس از انتشار مجموعهٔ *اسطوره‌شناسی* ها، در مقالهٔ *تنوریک* بسیار مهم «*اسطوره، امروزه*» مبانی و اسلوب‌های نظری خود را در *اسطوره‌شناسی* تدوین و ارائه کرد که شاید بتوان آن را چکیده‌ای از کلیهٔ دست‌آوردهای بارت در زمینه‌های نقد، نظریهٔ ادبی، نشانه‌شناسی و اسطوره‌شناسی دانست.

از زبان‌شناسی ساختاری تا نشانه‌شناسی  
با وجود این‌که نشانه‌ها در سنت فلسفی غرب جای‌گاه پژوهشی بالایی داشته است، اما استخوان‌بندی نشانه‌شناسی مدرن با تکیه بر

1 - langue

2 - parole

ندارد که نشان دهد علامت «book» باید به این «کتاب» اشاره کند. هیچ دلیل ذاتی، طبیعی یا اساسی وجود ندارد که نشان دهد یک مفهوم خاص باید به یک تصویر آوایی خاص پیوند داشته باشد.

این مجموعه نظرات به نحوه توسعه نشانه‌شناسی به عنوان ابزاری که در مطالعه فرهنگ به کار می‌رود، کمک کرده است، اما باید خاطر نشان کرد که در فرهنگ، رابطه بین دال و مدلول مانند زبان اختیاری نیست. علت این امر این است که بر اساس نظریه‌های نشانه‌شناسی رولان بارت عوامل مشخصی وجود دارند که به شرایط، رموز و ایدئولوژی‌ها مربوط هستند که رابطه دال‌ها و مدلول‌های خاص را تعیین می‌کنند. دیدگاه‌های سوسور بر این محور استوار است که زبان تقریباً مانند فرهنگ به عنوان نظام، تنها از طریق اصطلاحات رابطه‌ای قابل درک و مطالعه هستند و معنی را فقط می‌توان از ساختار عمومی و عینی قواعد که در آن اجزاء و عناصر ماهیت معنی‌داری خود را از جای‌گاه خود در ساختار کلی به دست می‌آورند، دریافت. این ساختار چه در زبان و چه در نظام‌های نشانه‌ای دیگر از نظر تجربی ثابت نیست، بلکه باید بر حسب ارتباط واحدها کشف و مشخص شود.

سوسور برای اثبات نظریه خود پایه و اساس تلاش‌های آینده در جهت گسترش توانایی تحلیلی ساختارگرایی و نشانه‌شناسی به سایر نظام‌ها مانند فرهنگ مردمی را بنیان نهاد که بعدها افرادی چون رولان بارت، نظرات سوسور را پایه و اساس دیدگاه‌های نشانه‌شناسی و اسطوره‌شناختی خود قرار دادند که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

پیدا می‌کنند و در جهان خارج ما به ازاء حتمی ندارند» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷۱).

بدین ترتیب معنا محصول قراردادهای فرهنگی و محصول خود زبان است و در فرهنگ‌های مختلف می‌توان برداشت‌های مختلف داشت. از طرف دیگر زبان تعیین‌کننده معنی است و این معنی از زبانی به زبان دیگر ممکن است متفاوت باشد. بنابراین هر واژه‌ای از یک حیث دال و از حیث دیگر مدلول است و بنابراین معنای آن به وسیله امر خارجی تعیین نمی‌گردد. معنا صرفاً از ساختار عینی قواعد زبان و تمایز اجزاء درونی آن برمی‌خیزد. معنا محصول فرآیند گزینش و ترکیب واژگان است. زبان منعکس‌کننده واقعیتی از پیش موجود نیست، بلکه فهم ما از واقعیت را سازمان می‌دهد و یا می‌سازد. به عنوان مثال یک شاعر و یک باغبان از درخت واحدی، برداشت‌های متفاوتی خواهند داشت و در نظاره به آن مفاهیم گوناگونی را برداشت خواهند کرد. به سخن دیگر فهم جهان بستگی به فرهنگی دارد که ما در آن به سر می‌بریم، از این دیدگاه هیچ‌گونه واقعیت فرازبانی یا غیرزبانی وجود ندارد و یا دست کم نمی‌تواند منشأ معنا باشد.

اگر زبان را به این ترتیب درک کنیم، آن‌گاه نظام‌های دیگر فرهنگی نیز به همین ترتیب درک خواهند شد و آن وقت درمی‌یابیم که این مفهوم در تلاش بارت برای تثبیت نشانه‌شناسی به عنوان مطالعه علمی نظام‌های نشانه‌ها نقش مهمی را ایفا کرده است. تأکید بر این نکته برای درک اهمیت تمایزی که سوسور بین دال و مدلول قایل شده است، ضروری است. نشانه زبان‌شناسی از هر دو این عناصر تشکیل شده است و معنی آن به یک مصداق خارجی بستگی ندارد و رابطه بین دال و مدلول یک رابطه اختیاری است. هیچ دلیل خاصی وجود

## نشانه‌شناسی رولان بارت

نشانه‌شناسی به تعبیری مطالعه درباره هر چیزی است که به عنوان نشانه قابل بررسی است. نشانه هر چیزی است که بتوان آن را جانشین معناداری برای چیز دیگر گرفت. آن چیز دیگر لازم نیست حتماً وجود داشته باشد و یا در لحظه‌ای که نشانه‌ای از آن خبر می‌دهد در جایی موجود باشد. «بنابراین نشانه‌شناسی اصولاً رشته‌ای است که هر چیزی را که بتوان برای دروغ گفتن به‌کار گرفت، مطالعه کند» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷۶).

موضوع نشانه‌شناسی بارت بررسی شیوه تولید نظام نشانه‌های معنا بخش است. از نظر بارت واقعیت همواره در چارچوب‌های خاص فرهنگی که مقید به علائق و منافع خاصی هستند، ساخته و فهم می‌شود.

نشانه‌شناسی بارت مبتنی بر این نیست که یک ساختار جهانی زیرین در نظام علائم وجود دارد؛ با توجه به این‌که نشانه‌شناسی بهتر می‌تواند تغییرات اجتماعی و فرهنگی را تجزیه و تحلیل کند. علائم و رمزهایی که به آنها اشاره می‌کنند، از نظر تاریخی و فرهنگی مشخص هستند. با این حال نشانه‌شناسی بر این نکته تأکید دارد که این علائم و رمزها معنی را به وجود می‌آورند و برای انسان‌ها تفسیر و درک آنچه در اطرافشان می‌گذرد را فراهم می‌سازند.

بنابراین از نظر بارت نشانه‌شناسی نه تنها در بردارنده مفهوم ایدئولوژی است که حقیقت علوم در مقابل آن مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد، بلکه حاوی نوید به وجود آمدن یک روش علمی در درک فرهنگ توده‌ای نیز هست. علم نشانه‌شناسی معتقد است که واقعیت‌های مادی را هرگز نمی‌توان بدیهی و مسلم فرض کرد و معنی آن‌ها را بر انسان‌ها تحمیل کرد. واقعیت همیشه از طریق یک نظام

معنایی خاص ساخته و برای انسان قابل درک می‌شود. این معنی هرگز بی‌گناه نیست بلکه هدف خاصی را دنبال می‌کند که نشانه‌شناسی می‌تواند آن را روشن کند. تجربه ما از دنیا هرگز خالص یا بی‌طرفانه نیست و نظام‌های معنا آن را قابل درک می‌کنند. چیزی به نام تجربه خالص، عریان و عینی درباره دنیای واقعی و عینی وجود ندارد. دنیای عینی وجود دارد اما قابلیت درک آن به رمزهای معنی یا نظام‌های علائم مانند زبان بستگی دارد (همان: ۱۵۳).

از نظر بارت رمزها و علائم در جهان ثابت نیستند و از نظر تاریخی و اجتماعی به علائق و اهداف خاصی که از آنها ناشی شده‌اند، محدود می‌شوند. از این نظر است که آن‌ها هرگز بی‌طرف نیستند. معنی چیزی نیست که ثابت بوده و غیرقابل تغییر تلقی شود، نشانه‌شناسی با ایجاد معنی یا با آنچه بارت آن را فرآیند معنی‌دار شدن نامیده است، سروکار دارد.

وقتی به تحلیل او از اسطوره بپردازیم، این نکته و فرضیات کلی او روشن‌تر خواهد شد. «اسطوره از دیدگاه بارت نوعی زبان یا نظام نشانه‌هاست که اگرچه مقید به تاریخ و جامعه است ولی خود را عام و کلی نشان می‌دهد. بنابراین کار ویژه اسطوره تبدیل تاریخ به طبیعت است» (همان: ۱۳۵۳). «مانند آنچه در مورد تبدیل فرهنگ طبقاتی بورژوازی به طبیعت و سرشت انسانی گفته شد در واقع منظور بارت از اسطوره همان ایدئولوژی در بیان مارکسیستی است که به عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و کردارها حامی وضع موجود و مروج ارزش‌های مقبول طبقه حاکم است» (بشیریه، ۱۳۷۱: ۷۷).

بارت سبک کلاسیک نویسندگی در فرانسه را نمونه‌ای از اسطوره می‌داند که بنا به ادعای نویسندگان آن سبک، در نهایت دقت و

تاریخی به امر ذاتی و طبیعی تبدیل شده است و مردم این فرهنگ را، نه به عنوان اموری تاریخی بلکه به عنوان اموری عینی و طبیعی تلقی و مصرف می‌کنند. از دید بارت اگرچه از پدیده فرهنگی برحسب علائق مختلف می‌توان معانی مختلفی را استنباط کرد، اما در کنار آن نشانه‌شناسی به فهمی ساختاری از فرهنگ می‌پردازد و ایدئولوژی نهفته در آن آشکار می‌سازد، زیرا اسطوره‌های فرهنگ مدرن در خدمت تأمین منافع بورژوازی هستند و با مکانیسم نام‌زدایی وجود خودشان را توجیه یا انکار می‌کنند. «به عنوان مثال اسطوره ملیت تضمین‌کننده بی‌نام و نشانی بورژوازی به عنوان طبقه مسلط است. ایدئولوژی بورژوازی خود باید وجود طبقه بورژوا به عنوان طبقه مسلط را انکار کند» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۷۹). اسطوره‌شناسی به این معنی در پی اسطوره‌زدایی از ایدئولوژی است.

#### تلقی بارت و لوی استروس از اسطوره

بارت و لوی استروس هنر دو از الگوی دوگانه سوسور و تمایز میان دال و مدلول و زبان و گفتار استفاده کرده‌اند. لوی استروس به جای تأکید بر زبان، متوجه جلوه‌های دیگری از فرهنگ مثل خویشاوندی و اسطوره‌ها شده‌است. ساختارگرایی و نشانه‌شناسی استروس به دنبال ساختارهای زیرینی است که تبیین‌کننده تمامی پراکندگی‌های ظاهری در قلمرو فرهنگ انسانی است. این مدل از ساختارهای زیرین، غیرقابل رؤیت، زایا، رابطه‌ای و ناآگاه اما واقعی و جهان‌شمول، مبتنی بر شبکه‌ای منطقی از تقابلهای دوتایی است. این الگو تأکید دارد که تمام اشکال فرهنگی، معرف ترکیب‌های تجربی متفاوت تقابلهای دوتایی است (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۸).

صراحت، عین واقعیت را منعکس می‌سازد. این سبک که در قرن هیجدهم در جامعه حقوقی ظهور کرد، به وضوح و دقت در بیان، شهرت داشت و به صورت یک الگوی جهانی یا استاندارد برای انواع نوشته‌ها درآمده بود. سبک کلاسیک فرانسه در نگارش، تا قرن نوزدهم به صورت تنها سبک درست و منطقی در نگارش درآمد. یک سبک اجتناب‌ناپذیر و طبیعی در نگارش که به صورت خیلی ساده واقعیت را منعکس می‌کرد. بارت این شیوه نویسندگی و نگارش را با نگارش درجه صفر نوشتار به چالش طلبید و علت آن از نظر بارت حضور نیروهای گسترده‌تر اجتماعی و منافع طبقاتی بر شکل‌گیری و تغییرات سبک‌های نگارش است. از نظر بارت کلاسیسم فرانسوی صرف‌نظر از ظاهر فریبده‌اش، نه خنثی و جهانی است و نه طبیعی و غیرقابل اجتناب، بلکه برعکس فقط در بستر تاریخی و اجتماعی خود یافت می‌شود. در حالی که از دیدگاه نشانه‌شناسی، آن سبک به عنوان اسطوره یا چارچوبی از نشانه‌ها نمی‌تواند عین واقعیت را منعکس کند، بلکه در حقیقت واقعیت را تولید می‌کند و سعی در شکل دادن به درک مردم از واقعیت دارد.

از نظر بارت هر اسطوره به عنوان نظامی از نشانه‌ها، ظاهر و باطن جداگانه‌ای دارد. نشانه‌ها ماهیتاً و به‌طور بالقوه چندمعنایی هستند و می‌توانند برحسب نوع متنی که در آن مندرج می‌شود و نیز شرایط تاریخی و گرایش فرهنگی خواننده یا بیننده، معانی مختلفی پیدا کنند. می‌توان تصویر واحدی را که مجموعه‌ای از نشانه‌هاست، از چشم‌اندازهای مختلف تعبیر کرد. اما این نکته را نباید فراموش کرد که معنا ذاتی نیست، بلکه محصول نظام نشانه‌هاست و نشانه‌شناسی با معانی عمیق‌تر سروکار دارد. به‌طورکلی از نظر بارت فرهنگ مدرن مجموعه‌ای از اسطوره‌هاست که در آن امر

ارزش کاربردی می‌بخشد آن است که الگوی ویژه توصیف آن بی‌زمان و ازلی است. این الگو حال، گذشته و آینده را توصیف می‌کند. از نظر وی هر چیزی ممکن است در یک اسطوره رخ دهد، گویی زنجیره‌روی داده‌ها در آن پیرو هیچ قاعده منطقی یا توالی نیست. اما با وجود این، همین اسطوره‌ها که ظاهراً دل‌خواهی و قراردادی هستند، با ویژگی‌هایی یکسان و اغلب همراه جزئیات همانند در قسمت‌های مختلف دنیا پدید می‌آیند که دلیل شباهت آن‌ها را باید یکسان بودن کارکرد ذهن انسانی در همه جا دانست که بدوی و پیشرفته بودن جوامع در آن تأثیری ندارد بلکه اندیشه ابتدایی فقط نظام دیگری را در نشانه‌گذاری به کار می‌برد که فهم این نظام از طریق تحلیل ساختاری است و می‌توان با گردآوری و تلفیق همه روایات یک اسطوره نظم را ورای بی‌نظمی یافت.

اما از نظر بارت اسطوره به نظام نشانه‌شناسی در مرتبه دوم اطلاق می‌شود که هدفش مخدوش کردن واقعیات و طبیعی جلوه دادن بسیاری از امور و سلطه و قدرت است. بنابراین اسطوره فقط تداعی‌گر فرهنگ‌های ابتدایی نیست، بلکه در جوامع مدرن اسطوره‌های معلق با دوام‌های گوناگون و حتی نیمه عمرهای بسیار ناچیز، دائماً ساخته و پرداخته می‌شوند. ذهنیت جوامع امروزی توانایی ساختن اسطوره از رویدادهای روزمره سیاسی، اجتماعی، هنری و غیره را دارد، درحالی‌که ماهیت اسطوره‌ای فرآورده این روند تولدی پنهان می‌ماند. بنابراین در نظر زولان بارت برخلاف لوی استروس نشانه‌ها قراردادی نیستند، بلکه نیت‌مند و دارای انگیزش هستند، درحالی‌که انگیزه‌داری خود را دائماً کتمان می‌کند.

ساختارگرایی استروس زمینه‌ساز مطالعات بسیاری در فرهنگ عامه شده است که تأثیر این اندیشه‌ها بر رولان بارت و تلقی آن‌ها از اسطوره را در ادامه بررسی می‌کنیم. لوی استروس اسطوره را زبان می‌داند که برای شناخت آن باید آن را باز گفت. از نظر وی اسطوره بخشی از گفتار آدمی است، برای حفظ ویژگی آن باید نشان دهیم که اسطوره هم از مقوله زبان است و هم چیزی جز آن.

*«لوی استروس با در نظر داشتن تمایز میان گفتار و زبان معتقد است که اسطوره از مرجع سومی برخوردار است که مختصات دو مرجع زبانی و گفتاری را درمی‌آمیزد» (بارت، ۱۳۷۳: ۱۳۹).*

در حالی‌که اسطوره از نظر بارت نوعی گفتار است، البته نه هرگونه گفتاری، زبان شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد تا تبدیل به یک اسطوره شود. بدین ترتیب اسطوره نظام ارتباطی و پیامی است که به کمک شیوه بیان مشخص می‌شود. از نظر وی هر چیزی می‌تواند تبدیل به اسطوره شود و هیچ اسطوره‌ای جاویدان نیست، زیرا تاریخ انسانی واقعیت‌ها را به صورت گفتار و غالباً به شکل اسطوره درمی‌آورد. بنابراین قلمرو اسطوره غیر از گفتار می‌تواند نوشتار یا اشکال ارتباطی دیگری که حاوی پیام هستند نیز باشد. و همانند عکاسی، سینما، گزارش‌نویسی، ورزش و غیره در خدمت گفتار اسطوره‌ای قرار گیرد.

تفاوت دیگر لوی استروس با بارت در مفهوم اسطوره است. از نظر لوی استروس اسطوره همواره به حوادثی اشاره می‌کند که گفته می‌شود «پیش از آفرینش کیهان» یا «در دوره آغازین تکوین آن‌ها» یا حتی بسی پیش‌تر از آن روی داده است. اما آنچه به اسطوره

با این تفاوت بارت برخلاف ساخت‌گرایان که به دنبال پیدا کردن همه معناها و جنبه‌های اثر می‌باشند، نیست، بلکه نمادی از آن را گزینش می‌کند و سخن خود را درباره آن ارایه می‌دهد. بارت کار دانش ادبیات را در قلمرو شرایط درون‌مایه‌ها، یعنی صورت می‌داند و موضوع آن را شکل‌های گوناگون معناهایی پدید آمده می‌داند. از دید بارت این دانش، تفسیری قطعی برای نمادها نخواهد داد؛ بلکه به جستجوی انواع تأویل‌های ممکن برای آن نمادها خواهد پرداخت.

#### نتیجه‌گیری

یکی از ریشه‌های مطالعات فرهنگی را باید در کتاب بسیار کوچک و کم حجم *اسطوره‌شناسی‌های رولان بارت سراخ* بگیریم. کتاب حاضر در واقع نوعی نشانه‌شناسی از زندگی روزمره است. توجه وی به پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی و نگاه ظریف و نکته‌بین ایشان به پدیده‌های پیش افتاده در دنیای مدرن باعث پیوند وی با علوم اجتماعی شده است. رولان بارت با تأکیدش بر پدیده‌های فرهنگی به عنوان نماد و تفسیر چند معنایی این نمادها می‌تواند به ما در انسان‌شناسی تفسیری کمک کند.

بارت در *اسطوره‌شناسی خود متأثر از روی‌کردهای صاحب‌نظران مختلف در علوم اجتماعی مانند مارکس، لوی‌استروس و سوسور* است. وی با این‌که برداشت متفاوتی از *اسطوره* داشت و تعریف منحصر به فردی از *اسطوره* در چارچوب نظام نشانه‌شناسی ارایه می‌داد ولی الگوی روش‌شناسی خود را متکی بر آراء اندیشمندانی چون سوسور و لوی‌استروس قرار داده است.

«در اصطلاح لوی‌استروس *اسطوره* در زمان مسلسل جایی ندارد - یعنی تاریخی برای آن نمی‌توان معین کرد- لیکن *پارهای* از خصوصیات آن بار و یا افسانه مشترک است و مخصوصاً فرق میان طبیعت و فرهنگ که حاکم بر تجارب عادی انسانی است، در آن ناپدید شده است» (لیچ، ۱۳۵۰: ۸۷).

اما از نظر رولان بارت *اسطوره* دقیقاً موقعی شکل می‌گیرد که تاریخ تبدیل به طبیعت می‌شود، فرهنگ در *اسطوره* ناپدید می‌شود و به اشکال طبیعی نمایش داده می‌شود. گویی که اصلاً تاریخ و فرهنگ که بر آمده زمان است، وجود نداشته و همه چیز از همان ابتدا به صورت طبیعی به وجود آمده و باید هم، همین‌طور ادامه پیدا کند و عملاً گریزی از آن نیست.

اما تأثیر اندیشه ساختارگرایی لوی‌استروس بر رولان بارت را باید در شیوه تحلیل ساختاری *اسطوره* جستجو کرد. اسلوب تحلیل ساختاری لوی‌استروس از *اسطوره*، پایه کار بارت در تحلیل ساختاری متون ادبی شد. از نظر لوی‌استروس اگر در *اسطوره* معنایی یافت شود، این معنا در عناصر منفردی که در ترکیب *اسطوره* دخیل‌اند وجود ندارد، بلکه این معنا را باید در شیوه ترکیب این عناصر بازجست. از طرف دیگر اگرچه *اسطوره* از مقوله زبان است و به سخن درست فقط جزئی از آن محسوب می‌شود، زبان در *اسطوره* نمایان‌گر مختصات ویژه‌ای است و این مختصات فقط در سطح زبان‌شناسی برتر از سطح معمول زبان یافت می‌شود. بارت نیز متن را به واحدهای خواندنی<sup>۴</sup> تقسیم می‌کند و مناسبات آنها را با یکدیگر بررسی می‌کند.

4 - lexis

## منابع

- اباذری، یوسف ۱۳۸۰، «اسطوره در زمان حاضر»، ارغنون، شماره ۱۸، پاییز.
- احمدی، بابک ۱۳۷۲، ساختار و تاویل متن، تهران، نشر مرکز.
- بارت، رولان ۱۳۷۵، اسطوره، امروز، ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان، تهران، نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۷، نقد و حقیقت، ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان، تهران، نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۳، «از اثر تا متن، ترجمه مراد فرهادپور»، ارغنون، شماره ۳ (زمستان).
- بشیریه، حسین ۱۳۷۹، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده‌پویای تهران.
- رضایی، محمد ۱۳۸۳، «مطالعات فرهنگ عامه»، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره هفتم، (ش: ۷۹).
- فکوهی، ناصر ۱۳۸۱، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی.
- لیچ، آدموند ۱۳۵۰، نسوی استروس، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات خوارزمی.